



Investigating the Relationship between Corporate Governance Mechanisms and the Effectiveness of the Audit Committee

Alireza Rahimi¹, Kazem Shamsedini², Ahmad Sadegh Soltani Nejad³

Received: 2019/07/22

Accepted: 2019/11/04

Research Paper

Abstract

Due to conflicts of interest, corporate executives may not use corporate resources to increase shareholder wealth. The experts find that the best solution to this problem is improving corporate governance. The purpose of this paper is to examine the relationship between the efficiency of the audit committee and other corporate governance mechanisms. The mechanisms of corporate governance in this research include the independence of the board, the dichotomy of the role of the CEO and the ownership structure. Following the previous research, to measure the efficiency of the audit committee, the average of the score awarded to the three criteria of expertise, independence and size of the audit committee have been used. The period of research is from 2013 to 2017, over which, applying our sampling criteria, 130 Listed Companies in Tehran Stock Exchange were sampled out. The research findings indicate that there is significantly negative relationship between effectiveness of the audit committee with independence of the board and the dichotomy of the role of the manager. The negative relationship is indicative of substitutive role of independent board for the audit committee. Also, there is a positive and significant relationship between major shareholders and the government ownership with the effectiveness of audit committee. These two mechanisms strengthen one another, enabling us to interpret complementary role for them. However, institutional ownership has not relationship with the effectiveness of the audit committee.

Keyword: Audit Committee, Board Features, Corporate Governance.

JEL Classification: G34, M42.

DOI: 10.22051/ijar.2020.27436.1531

¹ Assistant Professor of Accounting, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran.
(rahimi2010@gmail.com)

² Assistant Professor of Accounting, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran.
(kshams@uk.ac.ir)

³ MSc of Accounting, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran.
(soltanishiraz@yahoo.com)

<http://ijar.alzahra.ac.ir>



بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و اثربخشی کمیته

حسابرسی

علیرضا رحیمی^۱، کاظم شمس الدینی^۲، احمدصادق سلطانی نژاد^۳

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۴/۳۱

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۸/۱۳

مقاله پژوهشی

چکیده

بدلیل وجود مشکلات تضاد منافع، امکان دارد مدیران از منابع شرکت در جهت افزایش ثروت سهامداران استفاده نکنند. صاحب نظران بهترین راه حل این مشکل را در بهبود حاکمیت شرکتی می دانند. هدف این پژوهش بررسی رابطه بین اثربخشی کمیته حسابرسی و سایر سازوکارهای حاکمیت شرکتی است. اصول حاکمیت شرکتی مورد بررسی در این پژوهش شامل استقلال هیئت مدیره، دوگانگی نقش مدیر عامل و ساختار مالکیت، است. به پیروی از پژوهش های گذشته برای اندازه گیری اثربخشی کمیته حسابرسی از میانگین نمره تعلق گرفته به سه معیار تخصص، استقلال و اندازه کمیته حسابرسی استفاده شده است. دوره زمانی پژوهش از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ است که با اعمال شرایط مورد نظر ۱۳۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نمونه پژوهش را تشکیل می دهند. یافته های پژوهش بیانگر این است که اثربخشی کمیته حسابرسی با استقلال هیئت مدیره و دوگانگی نقش مدیر عامل رابطه منفی معنی داری دارد. وجود رابطه منفی به این معناست که هیئت مدیره مستقل می تواند برای کمیته حسابرسی نقش جایگزینی داشته باشد. همچنین، بین سهامداران عمده و دولتی با اثربخشی کمیته حسابرسی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. به عبارتی، سهامداران عمده و دولتی قادرند یکدیگر را تقویت کرده و نقش مکمل برای یکدیگر داشته باشند، هر چند مالکیت نهادی با اثربخشی کمیته حسابرسی رابطه معنی داری نداشت.

واژه های کلیدی: حاکمیت شرکتی، کمیته حسابرسی و ویژگی های هیئت مدیره.

طبقه بندی موضوعی: G34، M42

DOI: 10.22051/ijar.2020.27436.1531

^۱ استادیار گروه حسابداری دانشگاه شهید باهنر کرمان. (rahimi2010@gmail.com)

^۲ استادیار گروه حسابداری دانشگاه شهید باهنر کرمان. (kshams@uk.ac.ir)

^۳ کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه شهید باهنر کرمان (soltanishiraz@yahoo.com)

<http://ijar.alzahra.ac.ir>

مقدمه

یکی از چالش‌های مطرح در مسائل نمایندگی همسوسازی اهداف مالک و مدیر است. بدین منظور مالک بر کار مدیر یا نماینده نظارت داشته و عملکرد او را ارزیابی می‌کند. تلاش برای حل مسئله نمایندگی تا حدی این اطمینان خاطر را به سهامداران می‌دهد که مدیران در جهت حداکثر کردن ثروت آنها تلاش می‌کنند. اعمال مراقبت و نظارت، مستلزم سازوکارهای مناسب است. از جمله این سازوکارها طراحی و اجرای سیستم حاکمیت شرکتی مناسب در شرکت‌ها است (نیکوکار و همکاران، ۱۳۹۳). حاکمیت شرکتی خوب باعث افزایش رقابت‌پذیری، جذب سرمایه‌گذاری و توسعه بازار سرمایه می‌شود. برخی اعتقاد دارند مشخص کردن ترکیب و تعامل سازوکارهای مختلف حاکمیت شرکتی به منظور تعیین بهترین سیستم ممکن از اهمیت بالایی برخوردار است (حسن و همکاران، ۲۰۱۷). در حاکمیت شرکتی مطلوب و ایده‌آل سازوکارهای موجود با یکدیگر تعامل مناسب داشته و برای رسیدن به نتیجه مطلوب تلاش می‌کنند. دو حالت عمده در روابط بین اصول حاکمیت شرکتی قابل تصور است. حالت اول اینکه اصول مکمل یکدیگر بوده و در رسیدن به اهداف، یکدیگر را تقویت می‌کنند. به عبارتی، اصول با یکدیگر رابطه مثبت داشته و بر عملکرد یکدیگر اثر مطلوب دارند. در این حالت می‌توان انتظار داشت نقاط ضعف یکی از اصول، توسط دیگری مرتفع شود. حالت دیگر این که اصول موجود حالت جایگزینی داشته باشند. به این ترتیب که انتظار تداخل وظایف بین آنها وجود داشته باشد. در این حالت اصول نه تنها یکدیگر را تقویت نمی‌کنند، بلکه بر عملکرد یکدیگر اثر نامطلوب یا منفی نیز می‌توانند داشته باشند.

در این پژوهش دو هدف دنبال می‌شود. هدف اول این است که به بررسی رابطه اثربخشی کمیته حسابرسی و اصول حاکمیت شرکتی که شامل خصوصیات هیئت‌مدیره و ساختار مالکیت است، پرداخته شود. هدف دوم بررسی دو فرضیه رقیب یعنی فرضیه‌های جایگزینی و مکمل بودن اصول حاکمیت شرکتی با یکدیگر، است. بنابراین، سوال اصلی پژوهش آن است که کمیته حسابرسی شرکت برای سایر اصول حاکمیت شرکتی نقش جایگزین دارد یا تکمیل‌کننده؟

بدیهی است پاسخگویی به سوال فوق بر کارایی بورس اوراق بهادار تهران اثر مثبت خواهد داشت. با توجه به رشد فزاینده بازار بورس ایران در پی خصوصی‌سازی‌های اخیر و همچنین گسترش روی آوردن سهامداران نهادی به بورس و علاوه بر آن پیشرو نبودن ایران در تدوین

قوانین و اقدام به پیاده‌سازی قوانین موجود در سایر بازارهای جهانی، اهمیت بررسی چنین موضوعاتی دو چندان است. این پژوهش به ادبیات موجود در حوزه حاکمیت شرکتی در بازار سرمایه ایران که هنوز از شفافیت لازم برخوردار نیست، کمک می‌کند. نتایج این پژوهش، ذینفعان دیگری از جمله قانون‌گذاران را به منظور تشخیص روابط بین اصول حاکمیت شرکتی، نیز دارد. به نحوی که قانون‌گذاران با استفاده از آن در جهت بهینه‌سازی حاکمیت شرکتی تلاش نمایند. علاوه بر این، تلاش جهت پاسخ به سؤالاتی از جمله سوال این پژوهش می‌تواند بر نگرش بنگاه‌های علاقه‌مند به سرمایه‌گذاری در بورس اثرگذار باشد.

مبانی نظری

حاکمیت شرکتی عبارت است از سیستم‌های داخلی و خارجی، مقررات و رویه‌هایی که توسط شرکت‌ها و در مسیر صحیح به منظور اطمینان از برآورده شدن منافع ذینفعان انجام می‌شود. وقوع رسوایی‌های مالی بزرگ در کشورهای توسعه‌یافته، باعث شد حاکمیت شرکتی به موضوعی مهم در سرتاسر دنیا تبدیل شود. در واکنش به این رسوایی‌ها، قوانین و مقررات حاکمیت شرکتی در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه (از جمله ایران)، به منظور بهبود رویه‌های کنترلی ارائه شد. این مساله باعث شد در ایران تلاش‌هایی به منظور ایجاد و پذیرش بهترین رویه‌های حاکمیت شرکتی صورت گیرد. جهت تحقق این امر مقررات و رویه‌های حاکمیت شرکتی به شرکت‌های بورسی ابلاغ شد. انتظار این بود که با پیاده‌سازی و بهبود حاکمیت شرکتی مزایای گسترده‌ای در سطح اقتصاد از طریق بهبود رقابت، جذب سرمایه و توسعه بازارهای مالی و سرمایه در کشور حاصل شود. به عبارتی، انتظار می‌رود سیستم حاکمیتی که برای این منظور توسعه می‌یابد، به تعامل بین شرکت و ذینفعان (که عبارتند از سهامداران، اعتباردهندگان، کارکنان، مشتریان، تامین‌کنندگان و محیط پیرامون شرکت است) اهمیت داده و علاوه بر آن به تلاش جهت همخوانی با قوانین و مقررات موجود بپردازد، اما تعامل گروه‌های ذینفع می‌تواند به تضاد منجر شود. عقیده بر این است که تلاش جهت فهم نحوه تعامل و ترکیب اصول مختلف حاکمیت شرکتی به منظور تعیین یک سیستم حاکمیت شرکتی کارا از اهمیت بالایی برخوردار است. پژوهش‌های گذشته به موضوع تعامل بین اصول مختلف حاکمیت شرکتی واکنش نشان داده‌اند (آگولیرا و کرسپی کلادرا، ۲۰۱۲).

آگوپلرا و کرسپی کلادرا (۲۰۱۲)، بیان می کنند که اصول نظارتی می توانند به عنوان مکمل یا جایگزین یکدیگر به فعالیت پردازند. در فرضیه مکمل اثر هم افزایی اصول مورد بررسی قرار می گیرد. در این حالت عناصر مختلف ساختار حاکمیتی شرکتی بهم وابسته بوده و پیاده سازی یک اصل، اثربخشی سایر اصول را افزایش می دهد و برعکس. در این رابطه پژوهشگرانی همچون کرمرز و نیر (۲۰۰۵) و آکرایا و همکاران (۲۰۱۱) بر این باورند که اصول حاکمیت شرکتی موثر، قادر هستند اثربخشی سازوکارهای حاکمیت داخلی را تقویت کنند. در همین ارتباط، فرناندز و آرونو (۲۰۰۵) و جیروود و مولر (۲۰۱۱) بیان می کنند که اصول حاکمیتی داخلی و خارجی را می توان به عنوان جایگزین تلقی نمود. گیلان و همکاران (۲۰۰۶) نیز نشان دادند که بعضی از اصول (مثل ساختار هیئت مدیره) می توانند جایگزینی برای سایرین (مثل اصلاحات ساختاری) باشند.

کمیته حسابرسی یکی از سازوکارهای کلیدی حاکمیت شرکتی در ایران است. در این پژوهش به بررسی این موضوع می پردازیم که وجود کمیته حسابرسی اثربخش برای سایر سازوکارهای حاکمیت شرکتی کدام اثر (جایگزینی یا تکمیل کننده) را دارد؟ اصول یا سازوکارهای مورد بررسی در این پژوهش شامل خصوصیات هیئت مدیره و ساختار مالکیت است. هیئت مدیره، کمیته حسابرسی و سهامداران عمده مهمترین سازوکار نظارتی در شرکتها به حساب می آیند. کمیته حسابرسی ابزاری برای کاهش مشکلات نمایندگی است (سلیمانی و مقدسی، ۱۳۹۳). در شرکت هایی که کمیته حسابرسی اثربخشی بالاتری دارد، مشکلات نمایندگی کمتر است (دای، ۲۰۰۸). سهامداران نهادی، نسبت به سایر سهامداران در بدست آوردن و استفاده از اطلاعات گران بها، با ارزش، به موقع و مربوط تلاش بیشتری دارند. بنابراین، حضور آنها می تواند تا حدودی مانع بهره برداری مدیران از منابع به هزینه مالکان شود (بوشی، ۱۹۹۸). همچنین، آنها انگیزه بیشتری برای نظارت بر مدیریت دارند، زیرا در اغلب مواقع منافع ناشی از چنین نظارت هایی بیشتر از هزینه های آن است. در شرکت هایی با مالکیت متمرکز، هیئت مدیره و سهامداران نهادی می توانند به عنوان ناظرینی عمل کنند که قادر به بهبود عملکرد مدیریت و ارتقای سطح کارایی شرکت باشند (شلیف و ویشی، ۱۹۸۶). در کشورهای در حال توسعه، دولت در بسیاری از شرکتها به عنوان سهامدار و تصمیم گیرنده حضور دارد.

از دید نظریه نمایندگی حضور مدیران غیرموظف در هیئت‌مدیره به کاهش تضاد منافع کمک می‌کند. هیئت‌مدیره مستقل با دیدگاهی حرفه‌ای و بی‌طرفانه درباره تصمیم‌گیری‌های مدیر قضاوت می‌کند. بنابراین، هیئت‌مدیره متخصص و مستقل، یک سازوکار مفید در حاکمیت شرکتی به حساب می‌آید (حساس یگانه و یزادینان، ۱۳۸۶). طرفداران تئوری نمایندگی ضمن تاکید بر تفکیک وظایف رئیس هیئت‌مدیره از مدیرعامل اظهار می‌کنند که رئیس هیئت‌مدیره نباید مسئولیت دیگری در شرکت داشته باشد و بدین ترتیب می‌تواند کنترل بهتری بر برنامه‌های مدیرعامل داشته باشد. اما طرفداران تئوری مباشرت معتقدند که ایفای نقش دوگانه، عملکرد شرکت را بهبود می‌بخشد (حساس یگانه و همکاران، ۱۳۸۷).

پیشینه پژوهش

کمیته حسابرسی به هیئت‌مدیره در انجام وظایف نظارتی کمک می‌کند، اما در صورتی که هیئت‌مدیره شرایط لازم جهت بهره‌برداری مناسب از کمیته حسابرسی را در نظارت خود نداشته باشد، این احتمال وجود دارد که کمیته حسابرسی اثربخشی لازم در ساختار نظارتی را از دست دهد. کمیته حسابرسی در شرکت نقش بسزایی دارد و سازوکاری بسیار مهمی برای حداقل کردن هزینه‌های نمایندگی به وجود آمده ناشی از جدایی مالکیت و مدیریت دارد (فاما و جنسن، ۱۹۸۳). در این پژوهش تفکیک اصول حاکمیت شرکتی از منظر جدایی نقش مالکیت از مدیریت انجام شده است. بنابراین، دو دسته از ویژگی‌ها، که عبارتند از ویژگی‌های مالکیت و ویژگی‌های مدیریتی، در فرضیه‌های جداگانه، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در کنار سایر موارد، مهمترین خصوصیتی که به اثربخشی هیئت‌مدیره کمک می‌کند و البته در پژوهش‌های مختلف به آن اشاره شده است شامل استقلال و اندازه هیئت‌مدیره و دوگانگی نقش مدیرعامل، است. همچنین، مهمترین خصوصیات مالکیتی که در پژوهش‌های حاکمیت شرکتی به آن اهمیت بالایی داده می‌شود عبارتند از تمرکز مالکیت، مالکیت نهادی و مالکیت دولتی (راجرز و دامی، ۲۰۰۵؛ گیلان و استارکز، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۷ و حسن و بات، ۲۰۰۹).

از جمله عواملی که باعث می‌شود مدیرعامل نسبت به هیئت‌مدیره پاسخگویی بیشتری داشته باشد استقلال اعضای هیئت‌مدیره و در راس آن یکی نبودن مدیرعامل و رئیس یا نایب رئیس هیئت‌مدیره است. درصد بالای مدیران مستقل خارج از شرکت در هیئت‌مدیره می‌تواند تضاد

منافع بین سهامداران و مدیر را کاهش دهند و در عملکرد نظارتی و هدایتی هیئت‌مدیره تأثیر بالایی داشته باشند. همچنین، آنها باعث بهبود عملکرد مدیریت می‌شوند (آندرس و همکاران، ۲۰۰۵). نظریه پردازان تئوری نمایندگی معتقدند که دوگانگی نقش مدیرعامل منجر به تمرکز قدرت و تصمیم‌گیری در یک فرد شده و او را قادر به تسلط بر هیئت‌مدیره می‌کند (فاما و جنسن، ۱۹۸۳). در رابطه با اندازه هیئت‌مدیره در صورتی که اعضا از تخصص‌های مختلفی برخوردار باشند، باعث خواهد شد علاوه بر هدایت عملکرد شرکت در مسیر درست، مدیرعامل پاسخگویی بیشتری داشته باشد. در اغلب پژوهش‌ها از معیارهای استقلال هیئت‌مدیره، دوگانگی نقش مدیرعامل و تعداد اعضای هیئت‌مدیره به عنوان معیارهای اثربخشی هیئت‌مدیره استفاده می‌شود. با توجه به اینکه در نمونه انتخابی این پژوهش معیار تعداد اعضا، تقریباً در همه شرکت‌ها ثابت (۵ عضو) بود، صرفاً از معیارهای استقلال و دوگانگی برای این منظور استفاده شده است. بنابراین، در پاسخ به سوال اول پژوهش فرضیه‌های زیر تدوین شدند.

فرضیه اول: بین استقلال هیئت‌مدیره و اثربخشی کمیته حسابرسی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین دوگانگی نقش مدیرعامل و اثربخشی کمیته حسابرسی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

هر چه تعداد سهامداران کمتر باشد، مالکیت متمرکزتر خواهد بود. در کشورهایی که تمرکز سهامدار آنها بالا بوده و دارای بازارهای سهام کمتر توسعه یافته هستند، یکی از مسائل اصلی اداره شرکت‌ها، تضاد منافع بین سهامداران اصلی و سهامداران اقلیت است. تمرکز مالکیت امکان کنترل مدیران توسط مالکین را افزایش می‌دهد. بر اساس تئوری کارایی، نظارت سهامداران نهادی مدیران را به افشاء بیشتر تشویق می‌کند. هدف این سهامداران افزایش ارزش شرکت و حداکثر سازی ثروت است. از سوی دیگر این نظریه نیز وجود دارد که مالکین عمده اطلاعات مورد نیاز خود را از منابع داخلی شرکت به دست آورده و تمایل چندانی به افشاء اطلاعات شرکت ندارند (راجرز و دامی، ۲۰۰۵). هزینه‌های نمایندگی برای دولت بالاتر است، زیرا بین اهداف شرکت‌های خصوصی و اهداف دولت تضاد وجود دارد. شرکت‌های تحت کنترل دولت به شدت تحت تأثیر مسائل سیاسی بوده و متمایل به کاهش هزینه‌های سیاسی خود هستند. سرمایه‌گذاران نهادی توانایی تأثیرگذاری مستقیم بر مدیریت شرکت را از طریق اعمال حق مالکیت و غیرمستقیم از طریق معامله سهام شرکت دارند. در بازارهای نوظهور، اگرچه

سرمایه‌گذاران نهادی هنوز نقش اصلی را ایفا نمی‌کنند، اما تغییرات سیستم‌های بازنشستگی و روند خصوصی‌سازی در این کشورها روی دارایی‌های مالی نهادها و بازار سرمایه آنها تأثیرگذار بوده است (گیلان و استارکز ۲۰۰۰ و ۲۰۰۷). بسیاری از محققین (گیلان و استارکز، ۲۰۰۷ و حسن و بات، ۲۰۰۹) اشاره کردند که وجود یک سهامدار بزرگ باعث کاهش مسئله نمایندگی می‌شود، زیرا به دلیل هزینه‌های نظارت، تنها سهامداران بزرگ قادرند این نقش را بر عهده گیرند. بنابراین، برای بررسی تعامل بین ویژگی‌های مالکیتی و اثربخشی کمیته حسابرسی و در پاسخ به این سوال که آیا مالکیت و اثربخشی کمیته حسابرسی عملکرد جایگزینی (تکمیل کننده) دارند یا خیر، فرضیه‌های بعدی به شرحی که در ادامه بیان شده است تدوین شدند.

فرضیه سوم: بین مالکیت عمده سهام و اثربخشی کمیته حسابرسی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین مالکیت دولتی و اثربخشی کمیته حسابرسی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه پنجم: بین مالکیت نهادی سهام و اثربخشی کمیته حسابرسی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

علاوه بر متغیرهای مستقل فوق، متغیرهایی که در پژوهش‌های گذشته بر ساختار حاکمیت شرکتی به ویژه کنترل‌های داخلی، موثر تشخیص داده شده‌اند در این پژوهش به عنوان متغیر کنترلی استفاده شده‌اند. این متغیرها شامل کیفیت حسابرسی (کریشان، ۲۰۰۵)، اندازه شرکت (بون و همکاران، ۲۰۰۷ و گست، ۲۰۰۹)، سودآوری (سیلوپرا و همکاران، ۲۰۰۷ و بلک و همکاران، ۲۰۰۶) و نوع صنعت (هوشینسن، ۲۰۰۴)، است.

همچنین در ارتباط با مساله پژوهش، حسن و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی به این مساله پرداختند که آیا کمیته حسابرسی مکمل یا جایگزین اصول حاکمیت شرکتی است یا خیر؟ نتیجه پژوهش این بود که استقلال و اندازه هیئت‌مدیره با کمیته حسابرسی رابطه مثبت یا مکملی دارد. از سوی دیگر، آنها به این نتیجه رسیدند که دوگانگی نقش مدیرعامل و مالکیت دولتی و نهادی با کمیته حسابرسی رابطه منفی یا جایگزینی دارد.

الوود و گارسیا لاکاله (۲۰۱۵) با بررسی کمیته حسابرسی در مدیریت سازمان‌های دولتی کشور انگلیس دریافتند که وجود کمیته حسابرسی در سازمان‌های دولتی می‌تواند منجر به کاهش هزینه‌های حسابرسی، حقوقی و مشاوره‌ای شود.

توزک (۲۰۱۵) در پژوهشی در کشور کرواسی با عنوان تأثیر کمیته حسابرسی بر عملکرد حسابرسی داخلی در نظام حاکمیت شرکتی به این نتیجه رسید که کمیته حسابرسی بر عملکرد حسابرسی داخلی، تأثیر مثبت دارد.

در ایران ثقفی و همکاران (۱۳۹۵) رابطه بین تشکیل کمیته حسابرسی، اندازه و استقلال هیئت‌مدیره در شرکت‌های عرضه اولیه شده در بورس اوراق بهادار تهران را بررسی کردند. نتایج این بررسی نشان داد که بین اصول حاکمیت شرکتی در شرکت‌های عرضه اولیه شده در بورس اوراق بهادار تهران، رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

سلیمانی و مقدسی (۱۳۹۳) نیز با بررسی نقش کنترل‌های داخلی، حسابرسی داخلی و کمیته حسابرسی در بهبود حاکمیت شرکتی نشان دادند، هیئت‌مدیره، مدیران و حساب‌رسان داخلی گروه‌هایی از اعضای سازمان هستند که با سازوکارهای حاکمیت شرکتی در ارتباط هستند و هر سازوکاری که در سطح این سه گروه منجر به تصمیم‌گیری کارا در شرکت شود جزئی از فرآیندهای حاکمیت شرکتی تلقی می‌شود.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع پس‌رویدادی است، یعنی بر مبنای تجزیه و تحلیل اطلاعات تاریخی شرکت‌ها انجام می‌شود. این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ روش از نوع تجزیه و تحلیل همبستگی/رگرسیونی است.

ابزار گردآوری اطلاعات

برای تدوین مبانی نظری پژوهش از منابع کتابخانه‌ای و مقالات استفاده شد و اطلاعات شرکت‌ها از سامانه اطلاع‌رسانی سازمان بورس و اوراق بهادار تهران جمع‌آوری شد.

مدل و متغیرهای پژوهش

برای آزمون فرضیات اول تا پنجم به ترتیب از مدل‌های رگرسیونی شماره ۱ تا ۵ استفاده شده است.

$$ACE = \beta_0 + \beta_1 BIND + \beta_2 FSIZE + \beta_3 AUDT + \beta_4 PROF + \beta_5 INDU + \varepsilon \quad (1)$$

$$ACE = \beta_0 + \beta_1 DUAL + \beta_2 FSIZE + \beta_3 AUDT + \beta_4 PROF + \beta_5 INDU + \varepsilon \quad (2)$$

$$ACE = \beta_0 + \beta_1 MAJ + \beta_2 FSIZE + \beta_3 AUDT + \beta_4 PROF + \beta_5 INDU + \varepsilon \quad (3)$$

$$ACE = \beta_0 + \beta_1 GOV + \beta_2 FSIZE + \beta_3 AUDT + \beta_4 PROF + \beta_5 INDU + \varepsilon \quad (4)$$

$$ACE = \beta_0 + \beta_1 INST + \beta_2 FSIZE + \beta_3 AUDT + \beta_4 PROF + \beta_5 INDU + \varepsilon \quad (5)$$

متغیر وابسته: در این پژوهش متغیر وابسته اثربخشی کمیته حسابرسی (ACE) است، که به تبعیت از روش اسمیت (۲۰۰۳) و بر اساس معادله ۶ محاسبه شده است.

$$ACE = \frac{ACF+ACI+ACS}{3} \quad (6)$$

در این معادله ACF تخصص مالی اعضا کمیته حسابرسی است. به این صورت که اگر بیش از دو عضو کمیته حسابرسی دارای تخصص مالی باشد، نمره یک و در غیر این صورت نمره صفر تخصیص داده می‌شود. متخصص مالی لازم است مدرک دانشگاهی یا مدرک حرفه‌ای داخلی در امور مالی (حسابداری، حسابرسی، مدیریت مالی، اقتصاد، سایر رشته‌های مدیریت با گرایش مالی یا اقتصادی) داشته باشد که بیانگر توانایی تجزیه و تحلیل صورت‌ها و گزارش‌های مالی و کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی است (ماده ۱ منشور کمیته حسابرسی، ۱۳۹۱). ASC اندازه کمیته حسابرسی است و به این ترتیب اندازی گیری می‌شود که اگر تعداد اعضای کمیته حسابرسی بیشتر از ۳ نفر باشند، نمره یک و در غیر این صورت نمره صفر تخصیص داده می‌شود. کمیته حسابرسی از سه تا پنج عضو که اکثریت آنها مستقل و دارای تخصص مالی هستند، با انتخاب و انتصاب هیئت‌مدیره تشکیل می‌گردد (ماده ۵ منشور کمیته حسابرسی،

(۱۳۹۱). ACI استقلال اعضا کمیته حسابرسی است. اگر همه اعضای کمیته حسابرسی مستقل باشند نمره یک و در غیر این صورت نمره صفر تخصیص داده می‌شود. عضو مستقل عضوی است که فاقد هرگونه رابطه یا منافع مستقیم یا غیرمستقیمی است که بر تصمیم‌گیری مستقل او اثرگذار باشد، موجب جانبداری او از منافع فرد یا گروه خاصی از سهامداران و سایر ذی‌نفعان شود و یا سبب عدم رعایت منافع یکسان سهامداران گردد (ماده ۱ منشور کمیته حسابرسی، ۱۳۹۱).

متغیر مستقل: اصول حاکمیتی که به‌عنوان متغیر مستقل استفاده شده به شرح زیر است.

استقلال هیئت‌مدیره (BIND): درصد اعضای مستقل هیئت‌مدیره است که برابر با تعداد اعضای غیرموظف (مستقل) در ترکیب هیئت‌مدیره تقسیم بر تعداد کل اعضای هیئت‌مدیره است (گرد و همکاران، ۱۳۹۴).

دوگانگی نقش مدیر عامل (DUAL): اگر مدیر عامل رئیس یا نایب رئیس هیئت‌مدیره باشد نمره یک و اگر نباشد نمره صفر برای آن در نظر گرفته می‌شود (متنوروسولانگ، ۲۰۱۰؛ خلیف، ۲۰۰۸؛ آقای و همکاران، ۱۳۸۸؛ عباسی و موسی احمدی، ۱۳۹۰).

مالکیت دولتی (GOV): درصد مالکیت دولت شامل مالکیت غیرمستقیم دولت (سازمان‌ها و نهادهای وابسته به دولت، کارگزاری سهام عدالت، شرکت‌های دولتی و غیره) است (حساس یگانه و احمدی، ۱۳۹۲).

مالکیت نهادی (INST): درصد مالکیت سهامداران نهادی که برابر با درصد سهام در اختیار بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، صندوق‌های بازنشستگی، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و هلدینگ‌ها و ... است (معین‌الدین و همکاران، ۱۳۹۳).

مالکیت عمده (MAJ): درصد مالکیت سهامداران عمده که برابر با سهامدارانی است که حداقل ۵ درصد از سهام شرکت را در اختیاردارند (گرد و همکاران، ۱۳۹۴).

متغیر کنترلی: اندازه شرکت، نسبت سودآوری، نوع حسابرسی و نوع صنعت متغیرهای کنترلی بوده که به شرح زیر اندازه‌گیری شده‌اند.

اندازه شرکت (FSIZE): لگاریتم طبیعی مجموع کل دارایی‌های شرکت را نشان می‌دهد (گرد و همکاران، ۱۳۹۴). سودآورری (PROF): نسبت سود خالص به فروش است. نوع حسابرس (AUDT): اگر حسابرس شرکت، سازمان حسابرسی باشد نمره یک و اگر موسسات حسابرسی باشد نمره صفر، منظور شده است. نوع صنعت (MED): صنعتی که بیشترین فراوانی را دارد نمره یک و سایر صنایع نمره صفر را در بر دارند.

جامعه آماری و نمونه پژوهش

با اعمال محدودیت‌های زیر بر انتخاب شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نمونه‌ای متشکل از ۱۴۵ شرکت (۵۸۰ سال/ شرکت) انتخاب شد .

۱) شرکت‌ها قبل از سال ۱۳۹۳ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده و تا پایان سال ۱۳۹۶ در بورس فعال باشند.

۲) جزء شرکت‌های واسطه‌گری مالی، هلدینگ، لیزینگ، سرمایه‌گذاری، بیمه‌ها و بانک‌ها نباشند.

۳) به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، سال مالی شرکت‌ها منتهی به پایان اسفند باشد و در بازه زمانی مورد مطالعه، تغییر سال مالی یا تغییر فعالیت نداشته باشند.

۴) صورت‌های مالی، یادداشت‌های همراه و گزارش هیئت‌مدیره شرکت‌ها در بازه زمانی مذکور در سایت بورس اوراق بهادار موجود باشد .

۵) برای بررسی رابطه کمیته حسابرسی و حاکمیت شرکتی در طول دوره پژوهش، کمیته حسابرسی شرکت‌ها در سال ۱۳۹۲ و قبل از آن تشکیل شده باشد.

جهت آماده‌سازی متغیرهای پژوهش برای آزمون فرضیه‌ها از نرم افزار اکسل و برای برآورد آزمون فرضیه‌های پژوهش از نرم‌افزار ایویوز نسخه ۹ استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

نگاره (۱): آمار توصیفی متغیرها

متغیر	نماد	میانگین	میانگین	بیشترین	کمترین	انحراف معیار	چراگی	کنشیدگی
اثربخشی کمیته حسابرسی	ACE	۰/۴۰	۰/۳۳	۱/۰۰	۰/۰۰	۰/۱۶	۰/۱۶	۲/۹۰
استقلال هیئت مدیره	BIND	۰/۷۲	۰/۸۰	۱/۰۰	۰/۲۰	۰/۱۷	-۰/۲۷	۲/۵۴
دوگانگی مسئولیت مدیر	DUAL	۰/۲۳	۰/۰۰	۱/۰۰	۰/۰۰	۰/۴۲	۱/۲۲۷	۲/۵۱
سهامداران نهادی	INST	۰/۶۵	۰/۶۸	۰/۹۸	۰/۰۸	۰/۳۳	-۰/۴۷	۰/۰۱
سهامداران عمده	MAJ	۰/۷۵	۰/۷۹	۰/۹۰	۰/۱۳	۱/۶۶	۱/۲۲۷	۱/۶۳
مالکیت دولت	GOV	۰/۲۱	۰/۰۰	۰/۴۹	۰/۰۰	۱/۰۶۸	۵/۰۷۷	۳۲/۱۱
اندازه شرکت	FSIZE	۶/۳۶	۶/۱۹	۸/۵۲	۴/۷۱	۰/۷۰	۰/۵۸	۳/۴۶
سودآوری	PROF	۳/۰۹	۱/۴۷	۳۱/۴	۱/۶۳	۱/۷۸۲	۱۴/۱۶	۲۱۸/۰
نوع حسابرس	AUDT	۰/۱۶	۰/۰۰	۱/۰۰	۰/۰۰	۰/۳۷	۱/۸۳	۴/۳۵
نوع صنعت	MED	۰/۱۹	۰/۰۰	۱/۰۰	۰/۰۰	۰/۳۹	۱/۵۸	۳/۵۰

نگاره شماره ۱ آمار توصیفی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. اثربخشی کمیته حسابرسی از سه معیار استقلال، اندازه و تخصص کمیته به دست آمده است. میانگین آن برابر با ۰/۴۰ است و به این معنا است که به طور متوسط ۴ درصد از کمیته‌های حسابرسی شرکت‌های نمونه کارا هستند. میانگین استقلال هیئت مدیره، بیانگر آن است که ۷ درصد از اعضای هیئت مدیره مستقل هستند و ۲ درصد از مدیران، رئیس یا نایب رئیس هیئت مدیره هستند. در میان ساختار مالکیت، سهامداران عمده بیشترین میانگین را دارند. از بین متغیرهای کنترلی، سودآوری

بیشترین میانگین را دارد. بیشترین سهامدار دولتی نمونه آماری، مربوط به شرکت قند نقش جهان است که سهامدار آن شهرداری اصفهان است.

آزمون انتخاب داده‌ها

آزمون F لیمر برای تعیین داده‌های ترکیبی یا تلفیقی انجام شد. نتایج حاصل از این آزمون در نگاره شماره ۲ و در سطح معنی‌داری ۵ درصد بیانگر استفاده از روش داده‌های تلفیقی است. آزمون بروش پاگان به منظور انتخاب از بین روش داده‌های تلفیقی (Pool) و روش اثرات تصادفی انجام شده است. نتایج نگاره شماره ۲ نشان می‌دهد استفاده از روش داده‌های تلفیقی تأیید می‌شود.

نگاره (۲): نتایج آزمون F لیمر و بروش پاگان

نتیجه	P-VALUE	آماره t	آزمون
داده‌های تلفیقی	۰/۸۹	۰/۲۰	F لیمر
Pool	۰/۲۳	۱/۴۴	بروش پاگان

آزمون فرضیات

فرضیه اول: بین استقلال هیئت‌مدیره و اثربخشی کمیته حسابرسی رابطه معنی‌داری وجود دارد. نتایج آزمون فرضیه اول مندرج در نگاره ۳ نشان می‌دهد که در سطح اطمینان ۹۹ درصد، بین استقلال هیئت‌مدیره و اثربخشی کمیته حسابرسی رابطه معنی‌داری وجود دارد و با توجه به ضریب برآوردی، این رابطه منفی است. مقدار آماره دوربین واتسون (۱/۹۷) نشان از آن دارد که مشکل خودهمبستگی وجود ندارد. برای بررسی هم‌خطی متغیرهای مستقل از عامل تورم واریانس استفاده شد که نشان می‌دهد مشکل هم‌خطی نیز وجود ندارد.

نگاره (۳): نتایج آزمون فرضیه اول

متغیر	نماد	ضریب	آماره	معنی داری	VIF
ضریب ثابت	β_0	۰/۴۰۵	۲/۸۲۰	۰/۰۰۵	---
استقلال هیئت مدیره	BIND	-۰/۰۰۱	-۰/۰۰۸	۰/۰۰۹	۱/۰۳۶
اندازه شرکت	FSIZE	۰/۰۳۳	۲/۸۸۳	۰/۰۰۴	۱/۰۵۶
سودآوری	PROF	۰/۰۰۲	۰/۴۵۸	۰/۶۴۷	۱/۰۰۱
نوع حسابرس	AUDT	-۰/۰۱۱	-۰/۲۷۸	۰/۷۸	۱/۰۴۴
نوع صنعت	MED	۰/۰۸۲	۴/۰۱۸	۰/۰۰۵	۱/۰۱۱
آماره دوربین واتسون		۱/۹۷			
ضریب تعیین		۰/۵۷			
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۵۸			

فرضیه ۲: بین دوگانگی نقش مدیرعامل و اثربخشی کمیته حسابرسی رابطه معنی داری وجود دارد.

نتایج آزمون فرضیه دوم در نگاره ۴ نشان می‌دهد که در سطح اطمینان ۹۹ درصد، بین دوگانگی مسئولیت مدیرعامل با اثربخشی کمیته حسابرسی رابطه منفی و معنی داری وجود داشته و مقدار آماره دوربین واتسون (۱/۷۳) بیان می‌کند، مشکل خود همبستگی وجود ندارد. نتایج آزمون عامل تورم واریانس بیانگر این است که بین متغیرهای مستقل مشکل هم‌خطی وجود ندارد.

نگاره (۴): نتایج آزمون فرضیه دوم

متغیر	نماد	ضریب	آماره	معنی داری	VIF
ضریب ثابت	β_0	۰/۲۴۴	۳/۱۰۹	۰/۰۰۲	---
دوگانگی نقش مدیرعامل	DUAL	-۰/۰۶۴	-۳/۲۰۴	۰/۰۱	۱/۰۲۵
اندازه شرکت	FSIZE	۰/۰۳۱	۲/۵۹۲	۰/۰۰۹	۱/۰۴۵
سودآوری	PROF	۱/۰۱	۰/۲۹۸	۰/۷۶۵	۱/۰۰۱
نوع حسابرس	AUDT	-۰/۰۱۳	-۰/۶۱۵	۰/۵۳۸	۱/۰۵۱
نوع صنعت	MED	۰/۰۹۴	۱/۳۵۴	۰/۱۷۶	۱/۰۱
آماره دوربین واتسون		۱/۷۳			
ضریب تعیین		۰/۶۲			
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۶۸			

فرضیه ۳: بین مالکیت عمده سهام و اثربخشی کمیته حسابرسی رابطه معنی داری وجود دارد.

نتایج آزمون فرضیه سوم در نگاره ۵ حاکی از آن است که در سطح اطمینان ۹۹ درصد، بین سهامداران عمده و اثربخشی کمیته حسابرسی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. مقدار آماره دوربین واتسون (۱/۸۰) است که نشان از آن دارد، مشکل خودهمبستگی وجود ندارد. با بررسی نتایج آزمون عامل تورم واریانس مشخص شد مشکل هم خطی نیز وجود ندارد.

نگاره (۵): نتایج آزمون فرضیه سوم

متغیر	نماد	ضریب	آماره t	معنی داری	VIF
ضریب ثابت	β_0	۱/۱۳۱	۱/۶۶۲	۰/۰۰۵	----
سهامداران عمده	MAJ	۰/۱	۲/۰۶۳	۰/۰۰۹	۱/۰۳۷
اندازه شرکت	Fsize	۰/۰۲۹	۲/۴۲	۰/۰۰۴	۱/۰۵۵
سودآوری	PROF	-۱/۵۱	-۰/۴۴۵	۰/۶۴۷	۱/۰۰۱
نوع حسابرس	AUDT	-۰/۰۵	-۰/۰۱۷	۰/۷۸	۱/۰۴
نوع صنعت	MED	۰/۰۵	۰/۰۶۷	۰/۰۰۵	۱/۰۱
آماره دوربین واتسون		۱/۸۰			
ضریب تعیین		۰/۵۰			
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۵۳			

فرضیه ۴: بین مالکیت دولتی و اثربخشی کمیته حسابرسی رابطه معنی داری وجود دارد. نتایج آزمون این فرضیه در نگاره ۶ حاکی از آن است که در سطح اطمینان ۹۹ درصد، مالکیت دولتی با اثربخشی کمیته حسابرسی رابطه مثبت و معنی داری دارد. همچنین، مقدار آماره دوربین واتسون (۲/۰۳) بیانگر آن است که مشکل خودهمبستگی وجود ندارد و با انجام آزمون عامل تورم واریانس نیز مشکل هم خطی بین خطاها وجود ندارد.

نگاره (۶): نتایج آزمون فرضیه چهارم

متغیر	نماد	ضریب	آماره t	معنی داری	VIF
ضریب ثابت	β_0	۰/۲۸	۳/۶۰۴	۰/۰۰۰	---
مالکیت دولتی	GOV	۰/۹۴	۲/۶۴	۰/۰۰۸	۱/۰۴۷
اندازه شرکت	FSIZE	۰/۰۱۶	۱/۳۳۸	۰/۱۸۱	۱/۰۸۶
سودآوری	PROF	۱/۲۲	۰/۳۶۶	۰/۷۱۴	۱/۰۰۱
نوع حسابر	AUDT	-۰/۰۴۱	-۱/۸۵۲	۰/۰۶۸	۱/۰۴۱
نوع صنعت	MED	۰/۰۷۳	۳/۶۰۶	۰/۰۰	۱/۰۰۲
آماره دورین واتسون		۲/۰۳			
ضریب تعیین		۰/۴۸			
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۶۲			

فرضیه ۵: بین مالکیت نهادی سهام و اثربخشی کمیته حسابرسی رابطه معنی داری وجود دارد. نتایج آزمون فرضیه پنجم در نگاره شماره ۷ حاکی از آن است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، بین سهامداران نهادی و اثربخشی کمیته حسابرسی رابطه معنی داری وجود ندارد. مقدار آماره دورین واتسون (۱,۹۹) نشان می دهد که مشکل خود همبستگی وجود ندارد و همچنین، با توجه به مقدار عامل تورم واریانس، مشکل هم خطی وجود ندارد.

نگاره (۷): نتایج آزمون فرضیه پنجم

متغیر	نماد	ضریب	آماره t	معنی داری	VIF
ضریب ثابت	β_0	۰/۳۲	۱/۹۲	۰/۰۵	---
سهامداران نهادی	INST	۰/۰۵	۰/۷۶	۰/۴۴	۱/۰۷۴
اندازه شرکت	FSIZE	-۰/۰۱	۰/۹۰	۰/۱۸۱	۱/۰۷۲
سودآوری	PROF	-۰/۰۵	-۱/۲۸	۰/۷۱۴	۱/۰۰۳
نوع حسابر	AUDT	-۰/۰۴۱	-۱/۰۱۶	۰/۰۶۸	۱/۰۴۳
نوع صنعت	MED	۰/۰۵	۱/۰۱	۰/۰۰	۱/۰۰۸
آماره دورین واتسون		۱/۹۹			
ضریب تعیین		۰/۵۴			
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۶۸			

نتیجه گیری

فرضیه اول به بررسی رابطه بین استقلال هیئت مدیره و اثربخشی کمیته حسابرسی می پردازد. نتایج بیانگر آن است که بین هیئت مدیره مستقل و اثربخشی کمیته حسابرسی رابطه معنادار و منفی وجود دارد که با پژوهش های حسن و همکاران (۲۰۱۷) و عبدالمجید و همکاران (۲۰۱۴) تطبیق دارد. رابطه منفی به این معناست که بین استقلال هیئت مدیره و اثربخشی کمیته حسابرسی رابطه جایگزینی وجود دارد و با یکدیگر تداخل وظایف دارند. وجود رابطه جایگزینی به این دلیل است که یکی از وظایف هیئت مدیره نظارت است و از سوی دیگر همزمان همین وظیفه به کمیته حسابرسی محول شده است که باعث تداخل وظایف می شود. با توجه به یافته های آزمون فرضیه دوم، بین دوگانگی نقش مدیرعامل و اثربخشی کمیته حسابرسی رابطه منفی وجود دارد. به عبارتی، بین مدیرعاملی که دو مسئولیت بر عهده دارد و اثربخشی کمیته حسابرسی رابطه جایگزینی وجود دارد و این جایگزینی از تداخل وظایف سرچشمه می گیرد. نتایج این فرضیه با پژوهش های حسن و همکاران (۲۰۱۷) و عبدالمجید و همکاران (۲۰۱۴) مطابق می باشد. نتایج آزمون فرضیه سوم بیان می کند، بین سهامداران عمده و اثربخشی کمیته حسابرسی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد که نتایج با مقاله پیزنل و همکاران (۲۰۰۵) مطابقت دارد. رابطه مثبت به این معناست که بین سهامداران عمده و اثربخشی کمیته حسابرسی رابطه مکملی یا هم افزایی وجود دارد و این دو در ساختار حاکمیت شرکتی، باعث تقویت یکدیگر می شوند. سهامداران عمده به دلیل توانایی که دارند و تأثیری که بر شرکت می گذارند می توانند با کمیته حسابرسی همکاری و تعامل داشته باشند. یافته های آزمون فرضیه چهارم نشان می دهد که بین سهامداران دولتی و اثربخشی کمیته حسابرسی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. وجود رابطه مثبت حاکی از آن است که سهامداران دولتی با اثربخشی کمیته حسابرسی رابطه مکملی داشته و باعث هم افزایی و تقویت یکدیگر می شوند. هم چنین یافته های این فرضیه با مطالعه گارسیا مکا و سانچز بالستا (۲۰۰۹) مطابق می باشد. در نهایت، یافته های آزمون فرضیه پنجم نشان می دهد که بین سهامداران نهادی و اثربخشی کمیته حسابرسی هیچ رابطه ای وجود ندارد.

با توجه به اینکه تشکیل کمیته حسابرسی از تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۲۳ و با انتشار منشور کمیته حسابرسی از سوی سازمان بورس و اوراق بهادار تهران الزامی شد، دوره زمانی این پژوهش از سال ۱۳۹۳ شروع شد تا نمونه شامل شرکت های بیشتری شود. از سوی دیگر برای بررسی

اثر بخشی کمیته حسابرسی امکان استفاده از سایر ویژگی‌های کمیته حسابرسی از جمله تعداد جلسات کمیته، به دلیل افشا نشدن اطلاعات مورد نیاز وجود نداشت. به طرز کلی، به نهادهای قانون‌گذار در ایران پیشنهاد می‌شود تا از یافته‌های این پژوهش برای ارزیابی رابطه بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و تصویب قوانین و مقررات، جهت مطلوبیت سیستم حاکمیت شرکتی استفاده نمایند. شرکت‌ها با درک رابطه بین اصول حاکمیت شرکتی می‌توانند نقاط ضعف و قوت حاکمیت شرکتی خود را شناسایی کنند و از آن با هدف بهبود عملکرد سیستم حاکمیت شرکتی خود استفاده نمایند. در این پژوهش، رابطه بین برخی از اصول حاکمیت شرکتی مورد بررسی قرار گرفت. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی سایر اصول حاکمیت شرکتی بررسی شود.

پی‌نوشت

- در این پژوهش بیشترین فراوانی مربوط به صنعت ۲ هر چند به منظور حفظ عملکرد نظارتی هیئت ۱ دارویی است.
- مدیره به جدایی نقش مدیرعامل و رئیس یا نایب
رئیس هیئت مدیره تاکید شده است، اما طبق ماده
۱۲۴ قانون تجارت مدیرعامل می‌تواند با موافقت
۷۵ درصد اعضای هیئت مدیره، رئیس یا نایب
رئیس هیئت مدیره باشد.

منابع

- Abbasi, M., & Ahmadi, M. (2012). Investigating the Effect of Managing Director's Duality on the Value of Listed Companies in Tehran Stock Exchange. *Journal of Economic research trends*, 19(60), 113-150. (In Persian).
- Abdel-Meguid, A., Samaha, K., & Dahawy, K. (2014). Preliminary evidence on the relationship between corporate governance attributes and audit committee functionality in Egypt: beyond checking the box. *Corporate Governance*, 14(2), 197-210.
- Acharya, V. V., Myers, S. C., & Rajan, R. G. (2011). The internal governance of firms. *The Journal of Finance*, 66(3), 689-720.
- Aghaei, M. A., Etemadi, H., Azar, A., & Chalaki, P. (1388). Corporate Governance and Information Content of Profits in Tehran Stock Exchange with Emphasis on the Role of Profit Management. *Journal of Management Sciences of Iran*, 4(16), 27-53. (In Persian)
- Aguilera, R. V., & Crespi-Cladera, R. (2012). Firm family firms: Current debates of corporate governance in family firms. *Journal of Family Business Strategy*, 3(2), 66-69.

- Black, B. S., Jang, H., & Kim, W. (2006). Predicting firms' corporate governance choices: Evidence from Korea. *Journal of corporate finance*, 12(3), 660-691.
- Boone, A. L., Field, L. C., Karpoff, J. M., & Raheja, C. G. (2007). The determinants of corporate board size and composition: An empirical analysis. *Journal of financial Economics*, 85(1), 66-101.
- Bushee, B. J. (1998). The influence of institutional investors on myopic R&D investment behavior. *Accounting review*, 305-333.
- Cremers, M., & Nair, V. B. (2003). Governance mechanisms and equity prices, 60(6), 2854-2894.
- De Andres, P., Azofra, V., & Lopez, F. (2005). Corporate boards in OECD countries: Size, composition, functioning and effectiveness. *Corporate Governance: An International Review*, 13(2), 197-210.
- Dey, A. (2008). Corporate governance and agency conflicts. *Journal of accounting research*, 46(5), 1143-1181.
- Di Miceli da Silveira, A., Leal, R. P., Carvalhal, A., & Barros, L. A. B. D. C. (2007). Evolution and determinants of firm-level corporate governance quality in Brazil. Available at SSRN 995764.
- Ellwood, S., & Garcia-Lacalle, J. (2016). Examining audit committees in the corporate governance of public bodies. *Public Management Review*, 18(8), 1138-1162.
- Fama, E. F., & Jensen, M. C. (1983). Separation of ownership and control. *The journal of law and Economics*, 26(2), 301-325.
- Fernández, C., & Arrondo, R. (2005). Alternative internal controls as substitutes of the board of directors. *Corporate governance: an international review*, 13(6), 856-866.
- García-Meca, E., & Sánchez-Ballesta, J. P. (2009). Corporate governance and earnings management: A meta-analysis. *Corporate governance: an international review*, 17(5), 594-610.
- Gillan, S. L., & Starks, L. T. (2000). Corporate governance proposals and shareholder activism: The role of institutional investors. *Journal of financial Economics*, 57(2), 275-305.
- Gillan, S., & Starks, L. T. (2007). The evolution of shareholder activism in the United States, 19(1), 55-73.
- Gillan, S., Hartzell, J. C., & Starks, L. T. (2006). Evidence on corporate governance: The joint determination of board structures and charter provisions. In *AFA 2007 Chicago Meetings Paper*.
- Giroud, X., & Mueller, H. M. (2011). Corporate governance, product market competition, and equity prices. *The Journal of Finance*, 66(2), 563-600.
- Gord, A., Mohammadi, M., & Goldoost, M. (2015). Investigating the Relationship between Corporate Governance Mechanism and Cash Holding. *Journal of Accounting and Auditing Review*, 22(2), 263-278. (in Persian).
- Guest, P. M. (2009). The impact of board size on firm performance: evidence from the UK. *The European Journal of Finance*, 15(4), 385-404.
- Hasan, A., & Butt, S. (2009). Impact of Ownership Structure and Corporate Governance on Capital Structure of Pakistani Listed Companies. *International Journal of Business and Management*, 4(2), 50-57. (in Persian)

- Hassan, Y., Hijazi, R., & Nasser, K. (2017). Does Audit Committee Substitute or Complement Other Corporate Governance Mechanisms: Evidence from an Emerging Economy. *Journal of Managerial Auditing*, 32(7), 658-681. (in Persian)
- Hassas Yeganeh, Y., & Ahmadi, M. (2013). Relationship between corporate governance mechanisms and Conservatism. *Journal of Empirical Studies in Financial Accounting*, 10(38), 21-52. (In Persian)
- Hassas Yeganeh, Y., & Yazdanyan, N. (2007). The Effect of Corporate Governance on Reducing Profit Management. *Journal of Empirical Studies in Financial Accounting*, 5(17), 151-171. (In Persian)
- Hassas Yeganeh, Y., Shoeri, S., & Khasronezhad, S. H. (2009). Relationship of Corporate Governance Mechanisms, Debt Relation, Company Size with Profit Management. *Journal of Empirical Studies in Financial Accounting*, 6(24), 75-115. (In Persian)
- Hutchinson, M., & Gul, F. A. (2004). Investment opportunity set, corporate governance practices and firm performance. *Journal of corporate finance*, 10(4), 595-614.
- Karim, K., Robin, A., & Suh, S. (2016). Board structure and audit committee monitoring: Effects of audit committee monitoring incentives and board entrenchment on audit fees. *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 31(2), 249-276.
- Kholeif, A. (2008). CEO duality and accounting-based performance in Egyptian listed companies: A re-examination of agency theory predictions. *Research in Accounting in Emerging Economies*, 8, 65-98.
- Krishnan, J. (2005). Audit committee quality and internal control: An empirical analysis. *The accounting review*, 80(2), 649-675.
- Moein al-Din, M., Saeeda Ardakani, S., Yazdi, A. F., & ZainAddini, L. (2014). Investigating the Effect of Corporate Governance System on the Relationship between Capital Structure and Firm Value with Structural Equation Modeling Approach in Tehran Stock Exchange. *Journal of Investment Knowledge*, 3(9), 101-132. (In Persian)
- Nikookar, G. H., Beyklowi, A. J., Farhadi, A., & Alidadi Talkhestani, Y. (2014). The Relationship between Corporate Governance Mechanisms and Agency Costs Including Iranian Companies. *Journal of Business Management*, 6(2), 401-416. (In Persian)
- Peasnell, K. V., Pope, P. F., & Young, S. (2005). Board monitoring and earnings management: do outside directors influence abnormal accruals? *Journal of Business Finance & Accounting*, 32(7- 8), 1311-1346.
- Rogers, P., Dami, A. T., Ribeiro, K. C. D. S., & Ferreira De Sousa, A. (2008). Corporate governance and ownership structure in Brazil: causes and consequences. *Journal of Corporate Ownership & Control*, 5(2).
- Saghafi, A., Barzideh, F., & Talebi Najafabadi, A. (2016). Investigating the Relationship between Audit Committee Formation and Managing Director, Size and Independence of Board of Directors in Stock Exchange Companies in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting and Auditing Research*, 31(31), 4-21. (In Persian).

- Shleifer, A., & Vishny, R. W. (1997). A survey of corporate governance. *The journal of finance*, 52(2), 737-783.
- Smith, S. R. (2003). *Audit Committees: Combined Code Guidance*. London: Financial Reporting Council, 1-48
- Sulong, Z., & Nor, F. M. (2010). Corporate governance mechanisms and firm valuation in Malaysian listed firms: A panel data analysis. *Journal of Modern Accounting and Auditing*, 6(1), 1.
- Tušek, B. (2015). The influence of the audit committee on the internal audit operations in the system of corporate governance—evidence from Croatia. *Economic research-Ekonomska istraživanja*, 28(1), 187-203.